

نقش واسطه‌های خودکارآمدی در رابطه شیوه‌های فرزند پروری با شادکامی دانش آموزان The Mediating Role of Self-Efficacy in relationship between Parenting Styles and Happiness in Students

Mansoor Dehghan Manshadi*

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Yazd, Iran.

mansoor.d.8@gmail.com

Hamideh Kamali Ardakani

M.Sc in General Psychology, Islamic Azad University of Meybod, Meybod, Yazd, Iran.

Hmideh Hemati

Master of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Yazd University, Yazd, Iran.

دکتر منصور دهقان منشادی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران.

حمیده کمالی اردکانی

کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی میبد، میبد، یزد، ایران.

حمیده همتی

کارشناس ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران.

Abstract

Happiness comes from human judgment about how to live. Self-efficacy is the person's belief and judgment of own ability to perform a particular task, and parenting styles are the methods that parents use to raise their children. The aim of this study was to investigate the mediating role of self-efficacy in the relationship between parenting styles and happiness in female students. The statistical population of this study was all the girls who applied for the University Entrance Exam of Ardakan city in the academic year of 2017-2018, when 515 people were reported. Using the Karajsi and Morgan tables, the sample size of 260 people was selected by multistage cluster random sampling. Research tools included Robinson's Parenting Style Questionnaires (2001), Sherer's General Self-Efficacy (1982), and Oxford Happiness (1976). Data analysis showed that the research model had a suitable fit. According to the findings, the authoritative parenting style had a positive direct effect on self-efficacy and happiness. Permissive parenting style had a negative direct effect on self-efficacy and authoritarian parenting style had a negative direct effect on happiness. Self-efficacy had it's the mediating role between the Parenting styles and happiness. Therefore, parenting style could change the happiness of adolescents by affecting on self-efficacy.

چکیده

شادکامی ناشی از قضاوت و داوری انسان درباره چگونگی گذراندن زندگی است. خودکارآمدی را باور و قضاوت فرد از توانایی خود برای انجام تکلیف خاص می‌دانند و سبک‌های فرزندپروری روش‌هایی است که پدر و مادر برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تعیین نقش واسطه‌های خودکارآمدی در رابطه شیوه‌های فرزندپروری با شادکامی دانش‌آموزان دختر انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دختران متقاضی کنکور سراسری شهرستان اردکان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ که ۵۱۵ نفر گزارش شده، بودند. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان حجم نمونه به تعداد ۲۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از جامعه آماری انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری رابینسون (۲۰۰۱)، خودکارآمدی عمومی شرر (۱۹۸۲) و شادکامی آکسفورد (۱۹۷۶) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل این پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. با توجه به یافته‌ها، سبک فرزندپروری مقتدرانه اثر مستقیم مثبت بر خودکارآمدی و شادکامی داشت. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه اثر مستقیم منفی بر خودکارآمدی و سبک فرزندپروری مستبدانه اثر مستقیم منفی بر شادکامی داشت. همچنین خودکارآمدی نقش واسطه‌گری خود را بین سبک فرزندپروری و شادکامی به‌خوبی نشان داده است؛ بنابراین سبک فرزندپروری با تاثیر بر خودکارآمدی می‌تواند شادکامی نوجوانان را تغییر دهد.

Keywords: *Self-efficacy, happiness, parenting style.*

واژه‌های کلیدی: خودکارآمدی، شادکامی، شیوه‌های فرزندپروری.

مقدمه

امروزه، روانشناسان علاقه‌مند به حیطه روانشناسی مثبت‌نگر توجه خود را بر منابع بالقوه احساس‌های مثبت نظیر احساس شادکامی معطوف کرده‌اند (کاکایی و احمدی، ۱۳۹۷). شادکامی از زیر مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر به درجه‌ای گفته می‌شود که شخص، کل زندگی خود را مطلوب ارزیابی می‌کند. شادکامی به این معنی است که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (قاسمی نیا و کریمی، ۱۳۹۸). پژوهش لیبومیر سکی، کینگ و دانیر^۱ (۲۰۰۵) نشان داد که شادکامی با دیدگاه مثبت به زندگی، اجتماعی بودن، خلاقیت، بهزیستی روانی، خودکارآمدی و موفقیت در حوزه‌های اصلی زندگی مانند کار و تحصیل ارتباط دارد و همچون سپری انسان را در برابر فشارهای روانی محافظت می‌کند (چو و وانگ^۲، ۲۰۱۶؛ لان^۳، ۲۰۱۷). در سال‌های اخیر در جامعه ایران توجه زیادی به کیفیت زندگی مانند بهزیستی و شادکامی شده است. در میان کشورهای مختلف، شاخص‌های شادکامی ادراک شده در میان نوجوانان ایرانی رتبه پایینی را به خود اختصاص داده است (عباس‌زاده، علیزاده اقدم، کوهی، علی‌پور، ۱۳۹۲؛ فیروزی، محمدی و نیکدل، ۱۳۹۵). به نظر نمی‌رسد رفاه مادی و هوش بالا تضمین‌کننده شادکامی نوجوانان باشد (لیم، یو، ها^۴، ۲۰۱۵)؛ بنابراین سؤال اصلی این است که چه عواملی بر شادکامی نوجوانان تأثیر می‌گذارد؟ شادکامی تحت تأثیر صفات روان‌شناختی و محیط زندگی فرد قرار می‌گیرد و از عوامل مختلفی مانند زندگی خانوادگی، سلامت جسمانی، راهبردهای مقابله‌ای و میزان خودکارآمدی تأثیر می‌پذیرد (استرلین^۵، ۲۰۰۶ به نقل از صدوقی و حسام پور، ۱۳۹۸؛ کیم و چانگ^۶، ۲۰۰۸؛ لیم و همکاران^۷، ۲۰۱۵). بسته به ویژگی‌های روان‌شناختی، افراد ممکن است واکنش‌های متفاوتی به محیط‌های زندگی مشابه نشان بدهند. با استناد به تحقیقات انجام شده و نظریه‌های مختلف می‌توان به چند عامل مهم و مؤثر در شادکامی از جمله تاب‌آوری (شرت، بارس و کارسون^۸، ۲۰۲۰)، شخصیت و عزت‌نفس (چنگ و فورنهام^۹، ۲۰۰۳)، خودکارآمدی^{۱۰} (تونگ و سونگ^{۱۱}، ۲۰۰۴)، عواطف^{۱۱} (هیلز و ارگیل^{۱۲}، ۲۰۰۱)، شیوه‌های تربیتی والدین (چان و کو^{۱۳}، ۲۰۱۱) و جنسیت (دبیری، دلاور و صرامی، ۱۳۹۰؛ انوشه‌یی، پورشهریاری و ثنائی‌ذاکر، ۱۳۸۷) اشاره کرد.

هرز و گولن^{۱۴} (۱۹۹۹) معتقدند که سبک فرزندپروری و کیفیت رابطه والد کودک اثر معناداری روی عزت‌نفس، شادکامی و بهزیستی افراد دارد. فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند^{۱۵}، ۱۹۹۱؛ کاروالن و واسرمن، اسمتان^{۱۶}، ۲۰۱۵). سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان گرایش‌ها و رفتارهای والدین نسبت به کودکانشان مفهوم‌سازی شده است که یک بافت و فضا را برای رفتار والدین در موقعیت‌های مختلف فراهم می‌آورد (وفاپور، مولایی، مرادی و کریمی، ۱۳۹۸؛ امید و فضل‌الهی، ۱۳۹۵؛ استینبرگ و دارلینگ^{۱۷}، ۲۰۱۷). بر این اساس با مریند سه نوع سبک فرزندپروری را ارائه کرده است: سهل‌گیرانه^{۱۸}، مستبدانه^{۱۹} و مقتدرانه^{۲۰} (هیلستروم^{۲۱}، ۲۰۰۹؛ شیدعنبرانی، یزدی، فرهادیان، نامور طباطبایی، ۱۳۹۸). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در والدینی است که روابط گرمی با فرزندانشان دارند و کنترل کمی یا هیچ‌گونه کنترلی بر رفتار آن‌ها اعمال نمی‌کنند. سبک

1. Lyubomirsky, King & Diener

2. Chou & Wang

3. Lane

4. Lim, You, & Ha

5. Easterlin

6. Kim & Chung

7. Short, Barnes, Carson & Platt

8. Cheng & Furnham

9. Self-efficacy

10. Tong & Song

11. Emotion

12. Hills & Argyle

13. Chan & Koo

14. Herz & Gullone

15. Baumrind

16. Carolan & Wasserman

17. Steinberg & Darling

18. Permissive

19. Authoritarian

20. Authoritative

21. Hillstrom

فرزندپروری مستبدانه در والدینی است که انتظار اطاعت و فرمان برداری شدید از فرزندان شان دارند و تمایل زیادی به اعمال کنترل از طریق تنبیه نشان می دهند. نهایتاً، سبک فرزندپروری مقتدرانه در والدینی مشاهده می شود که یک رفتار والدینی انعطاف پذیر، واضح، روشن و باثبات دارند (کوموندورو، ساسیس و کونینو^۱، ۲۰۱۱؛ فعال مسکین و زینالی، ۱۳۹۴؛ لطف آبادی، ۱۳۹۷، احدی و جمهری، ۱۳۹۷).

متغیر واسطه‌ای که در این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است خودکارآمدی است. خودکارآمدی اولین بار توسط بندورا در سال ۱۹۷۷ مطرح شد. خودکارآمدی به باور یا اعتماد شخص بر توانایی خودش برای انجام یک رفتار دلالت دارد (مرزی، سعادت، ۱۳۹۸؛ بینایت و بندورا^۲، ۲۰۰۴؛ کلارک^۳، ۲۰۱۰). خودکارآمدی به عنوان یک متغیر انگیزشی فعال ساز، هدایت بخش و برانگیزاننده رفتار به سوی هدف تعریف شده است (مک گنون و همکاران^۴، ۲۰۱۴). مطابق با نظریه شناختی اجتماعی، باور و نگرش نسبت به خود از عوامل تعیین کننده پیشرفت فرد است و خودکارآمدی یکی از مهم ترین این باورها است. به طور کلی افراد خودکارآمد از نقاط ضعف خود مطلع اند، آنان اهداف واقع بینانه را انتخاب و از خود انتظارات معقولی دارند، از مزایای استفاده از مقابله متمرکز بر مشکل، در مقابل مواجهه متمرکز بر هیجان، آگاه هستند (باقری و یوسفی، ۱۳۸۸؛ نریمانی و وحیدی، ۱۳۹۲). پژوهش ها نشان داده اند که شیوه های فرزندپروری مناسب بر خودکارآمدی تاثیر مثبت دارد (ظاهرزاده، ۱۳۹۶؛ محمدیاری، ۱۳۹۴؛ جعفر زاده، ۱۳۹۴؛ آل علی و دهکردی، ۱۳۹۴؛ ادیمورا، نوکننا، اومج و یومانو^۵، ۲۰۱۵، چن^۶، ۲۰۱۵؛ آلت^۷، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، مطالعات نشان داده اند افرادی که خودکارآمدی بالاتری دارند، احساس رضایت بیشتری در زندگی دارند و بنابراین شادکامی بیشتری خواهند داشت (کاپارا، استکا، گربینو، پاسیلویی و وکچو^۸، ۲۰۰۶؛ پوماکی، کارول و مائس^۹، ۲۰۰۹؛ استروبل، تومسایان و اسپورل^{۱۰}، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، به نظر می رسد خودکارآمدی می تواند به عنوان یک متغیر واسطه‌ای در رابطه میان سبک فرزندپروری و شادکامی عمل کند. تحقیقات متعددی حاکی از رابطه مستقیم و غیرمستقیم بین این متغیرها است (دبیری و همکاران، ۱۳۹۱). برخی از پژوهش ها یا نظریه ها مانند نظریه شناختی اجتماعی بندورا بر امکان تدوین مدلی علی از متغیرهای یاد شده صحت می گذارند. برای مثال بندورا (۲۰۰۱) ضمن نشان دادن رابطه مثبت حمایت های اجتماعی و باورهای خودکارآمدی، بر واسطه گری تأثیرات حمایت های اجتماعی که بخشی از سبک فرزندپروری است توسط باورهای خودکارآمدی تأکید دارد. برخی از پژوهش های دیگر نشان داده اند که حمایت اجتماعی از طریق باورهای خودکارآمدی در فراخوانی پیامدهای مثبت دلخواه که می توان شادکامی را از آن دانست، مؤثر واقع می شود (رضایی، توحیدی و موسوی نسب، ۱۳۹۷؛ کارادیماس^{۱۱}، ۲۰۰۶). به تعبیر دیگر، سبک فرزندپروری مناسب می تواند به بهبود خودکارآمدی و شادکامی کمک کرده و نوجوانان را در کنار آمدن با چالش های متداول زندگی یاری می کند (گکлер، گرگان و تاستان^{۱۲}، ۲۰۱۵؛ میهالی و کوین^{۱۳}، ۲۰۱۴؛ بودا و بویسن^{۱۴}، ۲۰۱۴؛ اویسال، ساتیسی و آکین^{۱۵}، ۲۰۱۳؛ لنگوین^{۱۶}، ۲۰۱۳ و اویشی، کیونگ کو و آکیموتو^{۱۷}، ۲۰۱۰).

این مطالعه در تلاش است که تا حد ممکن بین متغیرهای نامبرده، با تمرکز روی شادکامی به عنوان متغیر پیش بینی شونده اصلی، پیوند برقرار کند؛ زیرا اساس تحول فرد در جنبه های مختلف روانی، هیجانی و اجتماعی از خانواده به عنوان اولین نهاد که سبک های فرزندپروری در بطن آن قرار دارد، شروع می شود و بر شکل گیری و تحول شخصیت فرد تأثیر می گذارد. در ایران با توجه به ظهور و

- 1 . Koumoundourou, Tsaousis & Kounenou
- 2 . Benight & B&ura
- 3 . Clark
- 4 . McGeown & et al
- 5 . Adimora, Nwokenna, Omeje & Umeano
- 6 . Chen
- 7 . Alt
- 8 . Caprara, Steca, Gerbino, Pacielloi & Vecchio
- 9 . Pomaki, Karoly & Maes
- 10 . Strobel, Tumasjan & Sporrle
- 11 . Karademas
- 12 . Gokler, Gurgan & Tastan
- 13 . Mihaly & Kevin
- 14 . Botha & Booyesen
- 15 . Uysal, Satici & Akin
- 16 . Langevin
- 17 . Oishi, Kyungkoo & Akimoto

The Mediating Role of Self-Efficacy in relationship between Parenting Styles and Happiness in Students

اهمیت روانشناسی مثبت‌گرا تحقیقی که این متغیرها را در قالب یک آزمون مورد بررسی قرار دهد، انجام نگرفته است. به عبارت دیگر، شنا سایی پیشایندها و عوامل تأثیرگذار بر شادکامی و ظرفیت دانش‌آموزان در برخورد با چالش‌ها و موانع تحصیلی به‌ویژه در نوجوانی امری ضروری به نظر می‌رسد تا به مشاوران و معلمان کمک کند با شناسایی بهتر نوجوانان قادر باشند رویکردهای آموزشی و تربیتی را به نحو مقتضی تنظیم کنند. بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا خودکارآمدی می‌تواند در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و شادکامی نقش واسطه‌ای ایفا کند؟

روش

پژوهش حاضر، همبستگی از نوع تحلیل مسیر است که هدف آن بررسی رابطه بین متغیرها در قالب یک مدل علی است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر متقاضی کنکور سراسری شهرستان اردکان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند که آمار آن‌ها طبق اطلاعات کسب شده از اداره آموزش و پرورش شهرستان اردکان ۵۱۵ نفر بوده است. حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان به دست آمد. طبق این جدول برای جامعه‌ای با حجم ۵۱۵ نفر ۲۵۰ نمونه مورد نیاز است که با توجه به احتمال وجود پرسش‌نامه‌های ناقص، تعداد نمونه ۲۶۰ نفر انتخاب شد. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد، بدین صورت که از تمام مدارس دخترانه متوسطه دوره دوم شهرستان اردکان ۵ مدرسه و از هر مدرسه ۴ کلاس و از هر کلاس ۱۳ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند که در نهایت ۲۵۰ عدد پرسشنامه کامل دریافت شد. ابزار پژوهش عبارت بود از:

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر (GSES)^۱: این ابزار در سال ۱۹۸۲ توسط شرر و همکاران^۲ (۱۹۸۲) تهیه شده است. این مقیاس دارای ۱۷ سؤال است. نمرات کل از جمع نمرات به دست می‌آید. نمرات بالاتر از میانگین نشانگر خودکارآمدی قوی‌تر و نمرات پایین‌تر از میانگین خودکارآمدی ضعیف را نشان می‌دهد. روایی این مقیاس از طریق روایی سازه به دست آمده است. به منظور بررسی اعتبار و روایی، این مقیاس بر روی ۱۰۰ آزمودنی سوم دبیرستان اجرا شد و همبستگی به دست آمده با مقیاس عزت‌نفس و خودکارآمدی در جهت تأیید روایی سازه این مقیاس بود (اعرابیان، ۱۳۸۳). ضریب پایایی مقیاس با استفاده از روش دونیمه کردن آزمون گاتمن برابر ۰/۱۱ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است (شماعی‌زاده و عابدی، ۱۳۸۴؛ براتی بختیاری، ۱۳۷۶). همچنین ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ حاصل شده است (حسن‌نیا، صالح صدق‌پور و دماوندی، ۱۳۹۳).

پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHQ)^۳: پرسشنامه شادکامی آکسفورد میزان شادکامی فردی را می‌سنجد. این ابزار در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل^۴ تهیه شده است. پرسشنامه آکسفورد ۲۹ سؤالی است. بالاترین نمره‌ای که در این پرسشنامه به دست می‌آید ۸۷ است که نشان‌دهنده بالاترین میزان شادکامی فرد و کمترین آن ۰ است. این پرسشنامه در ایران توسط علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸) ترجمه شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ با روش دو نیمه کردن به روش اسپیرمن مقدار ۰/۹۲ و به روش گاتمن ۰/۹۱ گزارش شده است. روایی هم‌زمان این پرسشنامه با استفاده از ارزیابی دوستان این افراد درباره آن‌ها ۰/۴۳ محاسبه شده است. همچنین از آنجایی که شادکامی دارای سه بخش عاطفه مثبت، رضایت و نبود عاطفه منفی است همبستگی پرسشنامه آکسفورد با مقیاس عاطفه مثبت ۰/۳۲ و با شاخص رضایت از زندگی ۰/۵۷ بوده است (پاییزی و همکاران، ۱۳۸۶). اعتبار و پایایی این پرسشنامه در مطالعات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. این پرسشنامه با استفاده از ثبات درونی مورد بررسی قرار گرفت که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شده است (علی‌پور و نوربالا، ۱۳۷۸). در مطالعه‌ای پایایی پرسشنامه فوق‌الذکر با استفاده از سه روش بازآزمایی با فاصله سه هفته، دونیمه کردن و ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۸۷، ۰/۶۶، ۰/۸۸ محاسبه گردید (رابینز، فرانسس و ادوارد، ۲۰۱۰). آرگایل^۶ (۲۰۰۱) پایایی پرسشنامه آکسفورد را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و پایایی بازآزمایی آن را در فاصله هفت هفته ۰/۷۸ گزارش کرده است.

1. General Self-Efficacy Sherr

2. Sherer

3. Oxford Happiness Questionnaire

4. Argyle, Lu

5. Robbins, Francis & Edwards

6. Argyle

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری (PSI): این پرسشنامه توسط رابینسون، ماندلکو، اولسون و هارت^۲ (۲۰۰۱) ساخته شده است. دارای ۳۲ سؤال ۵ گزینه‌ای (هیچ‌وقت: ۱، گاهی: ۲، تقریباً نیمی از مواقع: ۳، خیلی از مواقع: ۴ و همیشه: ۵) است که توسط پدر یا مادر به صورت جداگانه پاسخ داده می‌شود. در این آزمون ۳۲ سؤالی، ۱۵ سؤال شیوه فرزندپروری مقتدرانه، ۱۲ سؤال شیوه فرزندپروری مستبدانه و ۵ سؤال شیوه فرزندپروری آسان‌گیر را می‌سنجد. با استفاده از نظر چند تن از اساتید و کارشناسان روایی صوری این مقیاس تأیید گردید. روایی محتوایی آن نیز در پژوهش سهرابی، خانجانی و زینالی (۱۳۹۴) تأیید شد و پایایی نیز با استفاده از روش آزمون مجدد، حدود ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ گزارش شده است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار متغیرها و همچنین ماتریس همبستگی مرتبه صفر متغیرها در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. داده‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱ شادکامی	۱۳/۴۶	۷۱/۴۷	۱				
۲ خودکارآمدی	۱۸/۰۸	۷۱/۵۳	۰/۳۳**	۱			
۳ مستبدانه	۸/۸۰	۳۹/۶۴	-۰/۱۴**	-۰/۰۴*	۱		
۴ سهل‌گیر	۴/۳۴	۱۲/۹۱	-۰/۰۱**	-۰/۱۵**	۰/۱۰*	۱	
۵ مقتدرانه	۱/۷۸	۳/۵۸	۰/۳۳*	۰/۳۷**	۰/۰۳**	۰/۰۸**	۱

** $P < 0.01$; * $P < 0.05$

همان‌طور که ماتریس همبستگی نشان می‌دهد، وجود رابطه معنادار بین سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و خودکارآمدی با شادکامی ادامه تحلیل‌های بعدی در این پژوهش را امکان‌پذیر می‌سازد. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر با نرم‌افزار AMOS (نسخه ۲۴) ابتدا کلیت مدل بر اساس شاخص‌های برازش مورد بررسی قرار گرفت و سپس ضرایب مسیرها بررسی شد. جدول (۲) اثرات مستقیم و غیرمستقیم را نشان می‌دهد.

جدول ۲. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بر شادکامی

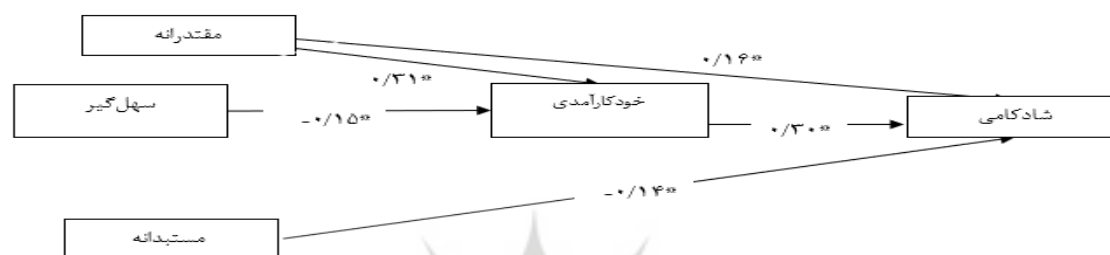
متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
به روی شادکامی	=		
سهل‌گیر	مقتدرانه ۰/۱۶	۰/۰۴۵	۰/۰۴۵
مستبدانه	-۰/۱۴	-	-۰/۱۴
خودکارآمدی	۰/۳۰	-	-۰/۳۰
به روی خودکارآمدی	سهل‌گیر -۰/۱۵	-	-۰/۱۵
مقتدرانه	۰/۳۱	-	۰/۳۱

گزارش شده است. نتایج در جدول (۳) AMOS برای تعیین معناداری مسیرهای غیرمستقیم از دستور بوت استرپ در نرم‌افزار گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون بوت استراپ برای ضرایب مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل

سطح معناداری	حد بالا	حد پایین	اثر غیرمستقیم	متغیر ملاک	متغیر واسطه	متغیر پیش‌بین
۰/۰۰۱	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۱۱	شادکامی	خودکارآمدی	مقتدرانه
۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۱۳	۰/۱۶	شادکامی	خودکارآمدی	سهل‌گیر

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود خودکارآمدی نقش واسطه‌ای بین سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیر با شادکامی برقرار کرده است. مدل نهایی در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱. مدل نهایی پژوهش

جدول ۴. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی نهایی پژوهش

RMSEA	NNFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	χ^2 / df
۰/۰۲	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۸	۱/۵۴

شاخص‌های برازش مدل نهایی در جدول (۴) ارائه شده است. اگر شاخص‌های CFI ، GFI ، $AGFI$ ، NFI و $NNFI$ بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخص‌های $RMSEA$ و RMR کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد بر برازش مناسب و مطلوب دلالت دارند. مقدار شاخص $RMSEA$ برای مدل‌هایی که برازش بسیار خوبی دارند، ۰/۰۵ به پایین است و مقادیر بالاتر از ۰/۰۸، خطاهای معقولی را در جامعه نشان می‌دهند. از آنجا که این مقدار در پژوهش حاضر ۰/۰۲ است، می‌توان گفت برازندگی بسیار خوبی مشاهده شده است و شاخص‌های کلی آزمون نیکویی برازش حاکی از برازش کلی الگو است. در ضمن کل متغیرهای پیش‌بین (سبک فرزندپروری) ۱۷ درصد واریانس خودکارآمدی و ۱۵ درصد واریانس شادکامی را تبیین می‌کنند. همان‌طور که از نمودار (۱) و جدول (۲) مشاهده می‌شود خودکارآمدی نقش واسطه‌ای در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و شادکامی را دارد، بدین معنا که سبک فرزندپروری سهل‌گیر باعث کاهش خودکارآمدی می‌شود و خودکارآمدی که کاهش یابد، شادکامی هم کاهش می‌یابد و سبک فرزندپروری مقتدرانه باعث افزایش خودکارآمدی و در نهایت باعث شادکامی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و شادکامی بود. همان‌طور که مشاهده شد خودکارآمدی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر و مقتدرانه با شادکامی نقش واسطه‌ای دارد، بدین معنا که سبک فرزندپروری سهل‌گیر باعث کاهش خودکارآمدی می‌شود و به دنبال آن شادکامی هم کاهش می‌یابد؛ و سبک فرزندپروری مقتدرانه باعث افزایش خودکارآمدی و در نهایت باعث افزایش شادکامی می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های هدایی و همکاران (۲۰۱۹)، مسعود، جان و جمیل (۲۰۱۶)، طاهرزاده (۱۳۹۶)، محمدیاری و مامی (۱۳۹۴)، فعال مسکین و زینالی (۱۳۹۴) که تاثیر معنادار شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی را نشان داده‌اند همسو است. همچنین با نتایج پژوهش جعفرزاده (۱۳۹۴)، آل علی دهکردی و حسینی

(۱۳۹۴) و دبیری و همکاران (۱۳۹۰) که رابطه سبک فرزندپروری با شادکامی را نشان دادند، همسو است. در نهایت یافته‌های این پژوهش با یافته‌های صنوبر (۱۳۹۷) و اسماعیلی فر و همکاران (۱۳۹۰) که رابطه معنادار خودکارآمدی با شادکامی را نشان دادند همسو است. طبق نظر بامریند (۱۹۶۷) والدین مقتدر توجه خوبی به فرزند خود نشان می‌دهند و به کودکان اجازه می‌دهد به‌طور فزاینده‌ای خودمختار شوند. فرزندان احساس می‌کنند که مورد پذیرش والدین‌اند و توسط آن‌ها درک می‌شوند. این مسئله فرزندان را به کسب مهارت جدید بدون هیچ نگرانی از مقایسه شدن با دیگران ترغیب می‌کند؛ بنابراین در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک فرزندپروری مقتدرانه با انگیزه درونی، کار سالم و تجربه لذت بردن از کار و استقلال فرزندان رابطه دارد. فرزندان این‌گونه خانواده‌ها به تدریج می‌آموزند که چگونه مسائل را مستقلانه حل کنند، چگونه در برابر آن‌ها از خود انعطاف نشان دهند. انگیزه درونی ایجاد شده و استقلال درک شده توسط دانش‌آموزان دارای والدین مقتدر به آن‌ها کمک می‌کند تا آن‌ها در امر تحصیل جهت کسب مهارت و یادگیری مطالب جدید تلاش کنند. بنابراین از تاثیرات کارکرد نقش‌ها و روش‌های تربیتی صحیح والدین در خانواده این است که فرصت‌هایی برای فرزندان فراهم می‌شود که قابلیت‌ها و استعداد‌های خود را بشناسند و در جهت خودکارآمدی گام بردارند. این مسئله باعث می‌شود که وقت و انرژی آن‌ها به‌گونه بهینه صرف امور مثبت گردد. پرداختن به امور مثبت و داشتن احساس این‌که والدین همواره نقش حمایتی دارند، به‌نوبه خود باعث می‌شود که احساس شادکامی در فرزندان شکل بگیرد. از آنجایی که حس خودکارآمدی می‌تواند موجب تجارب مثبت بیشتر و ایجاد رضایت از انجام موفق امور گردد، طبعاً حس شادکامی را نیز تقویت خواهد نمود و همان‌طور که بندورا (۱۹۹۳) نیز به این مطلب اشاره می‌نماید، افراد خودکارآمد از زندگی خود احساس رضایت بیشتری خواهند داشت.

در توضیح نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه با سبک فرزندپروری سهل‌گیر و شادکامی می‌توان گفت، در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، فرزندان آن چه را که مایل‌اند، انجام می‌دهند. والدین قائل به کنترل فرزندان نیستند و از آنان توقع چندانی ندارند، در تنبیه کردن یا پاداش دادن به فرزندان جدی نیستند، از فرزندان خود انتظار رفتار عاقلانه ندارند و به آن‌ها آموزش استقلال و خوداتکایی نمی‌دهند. این کودکان به‌صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف شده‌اند که هنگام مواجهه با ناملازمات، تمایل به واپس‌روی دارند. این والدین از اعمال هر نوع سخت‌گیری و کنترل اجتناب می‌کنند. اینان والدینی هستند که می‌خواهند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند. خواسته‌های اندکی از فرزندان خود دارند و بر آنچه انجام می‌دهند کنترل و نظارت ندارند؛ بنابراین خودکارآمدی کمتری دارند و با توجه به اینکه خودکارآمدی پایین با نشانه‌های اضطراب، افسردگی و نشانه‌های روان‌تنی بالا ارتباط دارد (بینایت و بندورا، ۲۰۰۴) بنابراین شادکامی کمتری نیز دارند. همچنین سولبرگ، ابرین، ویلزل، کنیل و دیویس^۱ (۱۹۹۳)، به نقل از فولادوند، فرزاد، شهرآرای و سنگری، (۱۳۸۸) مطرح کردند که خودکارآمدی نقش مهمی به‌عنوان یک سازوکار در تسهیل سلامت روانی دارد. خودکارآمدی به‌عنوان یک میانجی، فرایندهای شناختی منفی را تسهیل می‌نماید. اعتقاد دانش‌آموزان راجع به کارآمد بودن خود، هم بر مدیریت و تنظیم خواسته‌های خود و هم از نظر هیجانی بر آن‌ها اثر می‌گذارد (بندورا، ۱۹۷۷؛ نقل از زیمرمن^۲، ۲۰۰۰).

در نهایت طبق یافته‌های این پژوهش سبک فرزندپروری یک متغیر مهم برای خودکارآمدی و شادکامی افراد است. عدم کنترل متغیرهای مزاحم، نظیر هوش، تحصیلات والدین و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیرگذار باشد که از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. با توجه به نقشی که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر و مستبدانه با شادکامی دارند، پیشنهاد می‌شود در زمینه ارتقای روابط در خانواده‌ها، کارگاه‌های آموزشی برگزار شود. همچنین مشاوران و درمانگران حوزه خانواده با برگزاری کلاس‌های آموزشی و تربیتی، والدین را از سه سبک فرزندپروری و پیامدهای آن‌ها آگاه کنند و مهارت‌هایی را برای فرزندپروری به سبک مقتدر در اختیار والدین قرار دهند.

منابع

- احدی، ح.، جمهوری، ف. (۱۳۹۷). *روانشناسی رشد* (۲). نوجوانی، جوانی، میانسالی، پیری، تهران: انتشارات پردیس.
اسماعیلی فر، ن.، شفیق آبادی، ع.، احقر، ق. (۱۳۹۰). سهم خودکارآمدی در پیش‌بینی شادکامی. *اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی)*، ۵ (۱۹)، ۳۴-۲۷.

1. Solberg, O'Brien, Villareal, Kannel, & Davis

2. Zimmerman

The Mediating Role of Self-Efficacy in relationship between Parenting Styles and Happiness in Students

- اعرابیان، ا.، خداپناهی، م.، ک.، حیدری، م.، صالح صدق پور، ب. (۱۳۸۳). بررسی رابطه باورهای خودکارآمدی بر سلامت روانی و موفقیت تحصیلی دانشجویان. *مجله روانشناسی*، ۸ (۴)، ۳۶۰ - ۳۷۱.
- امیدی، م.، فضل الهی قمشی، س. (۱۳۹۵). درآمدی بر اصول فرزندپروری با تأکید بر سیره علوی. *فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق*، ۱۴ (۲)، ۲۵۱ - ۲۷۱.
- انوشه‌یی، م.، پورشهریاری، م.، ثنائی ذاکر، ب. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ادراک دختران از الگوهای تربیتی والدینشان با احساس شرم و گناه در آن‌ها. *پژوهش‌های مشاوره*، ۷ (۲۷)، ۶-۲۷.
- آل علی دهکردی، م.، حسینی، ف. (۱۳۹۴). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با ابراز وجود و شادکامی دانش‌آموزان پایه هشتم شهر یزد. *دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد، دانشگاه تربت حیدریه*.
- باقری، ف.، یوسفی، ح. (۱۳۸۸). سخت رویی، باورهای خودکارآمدی و راهبردهای خودتنظیمی عاطفی در دانش‌آموزان دختر. بررسی رابطه باورهای خودکارآمدی، مسند مهارت‌گذاری با موفقیت تحصیلی. *فصلنامه اندیشه و رفتار روان‌شناسی بالینی*، ۴ (۱۴)، ۳۲-۴۵.
- براتی‌بختیاری، س. (۱۳۷۶). *بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای خود اثربخش، عزت‌نفس و خودیابی با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم نظام جدید شهر اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران.
- پاییزی، م.، شهرآرای، م.، فرزاد، و. ا.، و صفایی، پ. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش ابراز وجود شادکامی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه دوم رشته علوم تجربی دبیرستان‌های تهران. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۴ (۱۲)، ۲۵-۴۴.
- توحیدی، ا.، رضایی، ا.، موسوی نسب، س.، م.، ح. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای باورهای خودکارآمدی حمایت اجتماعی و انگیزش تحصیلی، *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۰ (۲)، ۷۴-۵۴.
- جعفرزاده، ن. (۱۳۹۴). رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری با شادکامی دانش‌آموزان. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۱ (۳)، ۶۷-۸۲.
- حسن نیا، س.، صالح صدق پور، ب.، دماوندی، م. (۱۳۹۳). مدل یابی رابطه ساختاری هوش هیجانی و شادکامی با واسطه‌گری خودکارآمدی و خودتنظیمی تحصیلی. *دو فصلنامه آموزش و یادگیری*، ۲ (۶)، ۳۲-۶۰.
- دبیری، س.، دلاور، ع.، صرامی، غ. (۱۳۹۰). نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۷ (۲۰)، ۱-۱۶.
- زارع اسدآبادی، م.، کاظمی، س.، رضایی، آ. (۱۳۹۰). نقش واسطه‌گری خودکارآمدی برای سبک‌های یادگیری و انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهرستان ابرکوه سال تحصیلی ۸۹ - ۸۸، *روشها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱ (۱)، ۹۶-۸۳.
- سهرابی، ف.، خانجانی، ز.، زینالی، ش. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش فرزندپروری والدین بر کاهش علائم اختلال سلوک و بهبود سبک‌های فرزندپروری. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، ۲ (۱۷)، ۲۴-۳۰.
- شماعی زاده، م.، عابدی، م.، ر. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر مشاوره شغلی بر افزایش خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۲۳ (۲)، ۲۵-۳۹.
- شیدعبرانی، ب.، گل علی‌رضا، ا.، یزدی، ا.، فرهادیان، ف.، نامور طباطبایی، س. (۱۳۹۸). پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر مبنای بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و سبک‌های فرزندپروری. *رویش روان‌شناسی*، ۸ (۱۱)، ۹۴-۸۵.
- صدوقی، م.، حسامپور، ف. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای شادکامی در رابطه میان امید و خودکارآمدی تحصیلی با سرزندگی تحصیلی. *رویش روان‌شناسی*، ۸ (۹)، ۳۰-۲۱.
- صنوبر، ع. (۱۳۹۷). رابطه شادکامی، تاب‌آوری و خودکارآمدی تحصیلی با سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه دهم. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۸ (۸)، ۱-۱۵.
- طاهر زاده، ش. (۱۳۹۶). اثر بخشی آموزش شیوه‌های فرزند پروری بر پرخاشگری و خودکارآمدی نوجوانان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان نسیم شهر. *فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی*، ۱ (۳)، ۷۵-۸۶.
- عباس زاده، م.، عزیززاده اقدم، م.، کوهی، ک.، علیپور، پ. (۱۳۹۲). انواع سرمایه‌ها و نقش آن‌ها در تبیین شادکامی دانشجویان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۵۱)، ۲۴۴-۲۱۵.
- علی‌پور، ا.، نوربالا، ا.، ع. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *مجله اندیشه و رفتار*، شماره ۱۷ (۱۸)، ۵۰-۵۶.
- فعال مسکین، ل.، زینالی، ع. (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان کم‌توان امداد امام خمینی (ره). *نسیم تندرستی*، ۴ (۱)، ۴۸-۵۵.
- فولادوند، خ.، فرزاد، و. ا.، شهرآرای، م.، سنگری، ع.، ا. (۱۳۸۸). اثر حمایت اجتماعی، استرس تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی بر سلامت روانی جسمانی، *روانشناسی معاصر*، ۴ (۲)، ۸۱-۹۲.

- فاسمی نیایی ف.، کریمی، س. (۱۳۹۸). رابطه انگیزه پیشرفت، شادکامی و رضایت زناشویی زنان و مردان فرهنگی ناحیه ۲ خرم آباد. *رویش روان شناسی*، ۸ (۷)، ۲۱۵-۲۲۲.
- قیروزی، م.، م.، نیکدل، ف. (۱۳۹۵). نقش پیش‌بینی‌کننده هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در شادکامی دانش‌آموزان. *پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*، ۲(۴)، ۳۹-۵۰.
- کاکایی، ف.، احمدی، م.، س. (۱۳۹۷۸). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خوش‌بینی، امیدواری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *رویش روان شناسی*، ۷ (۱۲)، ۳۸۵-۳۹۸.
- لطف‌آبادی، ح. (۱۳۹۷). *روان‌شناسی رشد*، تهران: انتشارات سمت.
- محمدیاری، پ.، مامی، ش. (۱۳۹۴). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی والدین با خودکارآمدی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر ایلام، دومین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- مرزی، ش.، سعادت‌تی، ش.، ا. (۱۳۹۸). نقش خودکارآمدی و شادکامی در پیش‌بینی خودانتقادگری و اعتماد به خود معلمان. *رویش روان شناسی*، ۸ (۵)، ۱۵۳-۱۶۲.
- نریمانی، م.، وحیدی، ز. (۱۳۹۲). مقایسه نارسایی هیجانی، باورهای خودکارآمدی و عزت‌نفس در میان دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۳(۱)، ۷۸-۹۱.
- وفاپور، ح.، مولایی، ع.، مرادی، آ.، کریمی، پ. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های فرزند‌پروری و جهت‌گیری مذهبی والدین در پیش‌بینی هوش معنوی فرزندان آنها. *رویش روان شناسی*، ۸(۱)، ۱۳۷-۱۴۲.
- Adimora, D. E., Nwokenna, E. N., Omeje, J. C., & Umeano, E. C. (2015). "parenting styles & attention deficit hyperactivity disorder as correlates of academic adjustment of in-school adolescents in enugu state, nigeria"; *Procedia-Social & Behavioral Sciences*, 205, 702- 708.
- Alhadabi, A, Aldhafri, S., Alkharusi, H., Al-Harthy, I., Alrajhi, M, AlBarashdi, H.(2019). Modelling Parenting Styles, Moral Intelligence, Academic Self-Efficacy and Learning Motivation among Adolescents in Grades 7-11, *Asia Pacific Journal of Education*, 39(1), 133-153.
- Alt, D. (2015). Using Structural Equation Modeling and Multidimensional Scaling to Assess Female College Students' Academic Adjustment as a Function of Perceived Parenting Styles, *Current Psychology*, 35, 549-561 .
- Argyle, M. (2001). Personality, self esteem and demographic predictions of happiness and depression. *The Psychology of happiness*, 12(6), 93-109.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Benight, C., & Bandura, A. (2004). Social cognitive theory of posttraumatic recovery: The role of perceived self-efficacy. *Behaviour Research and Therapy*, 42 (1), 1129-1148.
- Botha, F., & Booysen, F. (2014). "Family Functioning and Life Satisfaction and Happiness in South African Households"; *Social Indicators Research*, 119(1), 163-118.
- Caprara GV, Steca P, Gerbino M, Pacielloi M, Vecchio GM.(2006). Looking for adolescents' wellbeing: seff-efficacy beliefs as determinants of positive thinking and happiness. *Epidemiol Psichiatr Soc*, 15(1), 30-43.
- Carolan, B. V., & Wasserman, S. J. (2015). Does parenting style matter? Concerted cultivation, educational expectations, and the transmission of educational advantage. *Sociological Perspectives*, 58(2), 168-186.
- Chan, T. W., & Koo, A. (2011). "Parenting style and youth outcomes in the UK"; *European Sociological Review*, 27(3), 385-399.
- Chen, W. W. (2015). "The relations between perceived parenting styles and academic achievement in Hong Kong: The mediating role of students' goal orientations"; *Learning and Individual Differences*, 37, 48-54.
- Cheng, H., & Furnham, A. (2003). "Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression"; *Personality and Individual Differences*, 34(6), 921-942.
- Chou, H., & Wang, S. S. (2016). The effects of happiness types and happiness congruity on game app advertising and environments. *Electronic Commerce Research and Applications*, 20, 1-14.
- Clark, K. D. (2010). *The Relationship of Perceived Stress and Self-Efficacy Among Correctional Employees in Close-Security and Medium-Security-Level Institutions*, Degree of Doctor of Philosophy, Psychology, Walden University.
- Easterlin, R. A. (2006). Life cycle happiness and its sources: Intersections of psychology, economics, and demography. *Journal of Economic Psychology*, 27(4), 463-482
- Gokler, R., Gurgan, U., & Tastan, N. (2015). "The Effect of Quality of School Life on Sense of Happiness: A Study on University Students"; *Educational Research and Reviews*, 10(7), 967-974.
- Herz, L., & Gullone, E. (1999). "The Relationship between Self-Esteem and Parenting Style: A Cross-Cultural Comparison of Australian and Vietnamese Australian Adolescents"; *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 30, 742-761.
- Hills, P., & Argyle, M. (2001). "Emotional stability as a major dimension of happiness"; *Personality and Individual Differences*, 31(8), 1357-1364.

The Mediating Role of Self-Efficacy in relationship between Parenting Styles and Happiness in Students

- Hillstrom, K. A. (2009). Are acculturation and parenting style related to academic achievement among latino students? (Unpublished doctoral dissertation). University of Southern California.
- Karademas, E. (2006). Self-efficacy, social support and well-being: The mediating role of optimism. *Personality and Individual Differences*, 40 (3), 1281- 1290.
- Kim, J. Y., & Chung, H. J. (2008). "A study on factors influencing the quality of life for adolescents". *Social Welfare Review*, 13(1), 171-190.
- Koumoundourou, G., Tsaousis, I., & Kounenou, K. (2011). "Parental influences on Greek adolescent's career decision-making difficulties: the mediating role of Core self- evaluations"; *Journal of Career Assessment*, 19(2), 165-182.
- Lane, T. (2017). How does happiness relate to economic behaviour? A review of the literature. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 68, 62-78.
- Langevin, E. L. (2013), "Undergraduate Student Happiness and Academic Performance: A Correlation Study"; *Developmental Psychology*, 3(2), 201-210.
- Lim, S. A., You, S., & Ha, D. (2015). Parental emotional support and adolescent happiness: Mediating roles of self-esteem and emotional intelligence. *Applied Research in Quality of Life*, 10(4), 631-646.
- Lyubomirsky, E. S., Sheldon, K. M., & Schkade, D. (2005). "Pursuing happiness: the architecture of sustainable change"; *Review of general psychology*, 9 (2), 111-131.
- Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E. (2005). The benefits of frequent positive affect: Does happiness lead to success?. *Psychological bulletin*, 131(6), 803
- Masud, H., Ahmad, M., Jan, F., A., Jamil, A. (2016). Relationship between Parenting Styles and Academic Performance of Adolescents: Mediating Role of Self-Efficacy, *Asia Pacific Education Review*, 17 (1), 121-131.
- McGeown, S. P., Putwain, D., Simpson, E. G., Boffey, E., Markham, J., & Vince, A. (2014). Predictors of adolescents' academic motivation: Personality, self-efficacy and adolescents' characteristics. *Learning and Individual Differences*, 32, 278-286.
- Mihaly, C., & Kevin, R. (2014). Adolescent Happiness and Family Interaction, *Applications of Flow in Human Development & Education*, 3(2), 359-378.
- Oishi, Sh., Kyungkoo, M., & Akimoto, Sh. (2010). Culture, Interpersonal Perceptions and Happiness in Social Interactions, *Pres Soc Psuchol Bull.* 34(3), 307-320.
- Pomaki G, Karoly P, Maes S.(2009). Linking goal progress to subjective well-being at work: the moderating role of goal-related self-efficacy and attainability. *Journal Occup Health Psychol*,14(2), 206-218.
- Robbins, M., Francis, L. J. and Edwards, B. (2010). Happiness as stable extraversion: internal consistency reliability and construct validity of the Oxford Happiness Questionnaire among undergraduate students. *Current Psychology*, 29(2), 89-94.
- Robinson, C. C., Mandelco, B., Olsen, S., & Hart, C. H. (2001). The Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSDQ). In B. F. Perlmutter, J. Toulaiatos, & G. W. Holden (Eds.), *Handbook of family measurement techniques: Vol. 3 Instruments & Index* (pp.319-321). Thousand Oaks: Sage.
- Sherer M, Maddux JE, Mercandante B, Prentice-Dunn S, Jacobs B, Rogers R.(1982). The SelfEfficacy Scale: Construction and validation. *Psychological Reports*, 51 (2), 663-671.
- Short, C. A.; Barnes, S.; Carson, J. F.; Platt, I. (2020). Happiness as a Predictor of Resilience in Students at a Further Education College, *Journal of Further and Higher Education*, 44(2), 170-184.
- Steinberg, L., & Darling, N. (2017). Parenting style as context: An integrative model Interpersonal Development (pp. 161-170): Routledge
- Strobel M, Tumasjan A, Sporrle M.(2011). Be yourself, believe in yourself, and be happy: selfefficacy as a mediator between personality factors and subjective well-being. *Scand Journal Psychol*, 52(1), 43-48.
- Tong, Y., & Song, S. (2004). A study on general self-efficacy and subjective well-being of low SES college students in a Chinese university. *College Student Journal*, 38(4), 637.
- Uysal, R., Satici, S. A., & Akin, A. (2013). Mediating effect of Facebook addiction on the relationship between subjective vitality and subjective happiness. *Journal Psychol Rep*, 113(3), 948-53.
- Zimmerman, B. (2000). Self-efficacy: An essential motive to learn. *Contemporary Educational Psychology*, 25(2), 82-91.